

فکرِ تفکرِ فلسفی

و

الزاماتِ تمدّن و توسعه در ایران

رضا صدوقی

۱۳۹۸

صدوقی، رضا، ۱۳۷۵ -

فقر تفکر فلسفی و الزامات تمدن و توسعه در ایران / رضا صدوقی

تهران : نشر کویر، ۱۳۹۸.

۷۶۰ ص.

ISBN: 978-964-214-301-6

فلسفه - ایران

Iranian scientists -- History

Philosophers -- Iran

derdevelopment -- Iran -- Causes

دانشمندان ایرانی -- تاریخ

فیلسوفان

عقب - کمی - علل

رده دی کنگ B۱۵۱

رده بندی یویی : ۱۷

شماره کتابشناسی ملی : ۵۷۸۶۴

www.ketab.ir



انتشارات کویسر

فقر تفکر فلسفی

و

اندامت تمدن و توسعه در ایران

رضا صدوقی

طراح: سعید راسینی • امور فنی: انتشارات کویسر

لینوگرافی و چاپ: غزال • صافی، سعیدی علی • شمارگان: ۲۰۰۰ • چاپ اول: ۱۳۹۸

شابک: 978-964-214-301-6 • ISBN • قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

Email: kowsarbooks@gmail.com

نشانی: تهران، کریم‌خان زند، ابتدای قائم‌مقام فاضلی، کوی یکم، شماره ۲۰، ساختمان کویر

کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۱ • تلفن: ۱۹۹۲ - ۸۸۱ - ۹ و ۸۸۳۴۲۸۸ • شماره: ۸۸۳۴۲۶۹۷

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تیراژ بدون اجازه ناشر ممنوع است.

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فہرست

مقدمہ

(۲۵)

فصل اول منظومہ تعاریف

(۳۷)

انسان

(۳۸)

اندیشہ

(۴۰)

عشت

(۴۲)

ہنر

(۴۳)

اخلاق

(۴۵)

دین

(۴۶)

عرفان

(۵۳)

ہوش

(۵۷)

علم

(۵۸)

خیزد و فلسفہ

(۵۹)

توسعه

(۷۰)

اسطوره

(۷۲)

تاریخ

(۷۳)

خُرافات

(۷۳)

تعلیم و تربیت

(۷۵)

باور

(۷۸)

فرہنگ

(۷۹)

- (۸۰) فرهنگ ایرانی
- (۸۱) دین‌سالاری
- (۸۲) اقتدارگرایی
- (۸۵) اسطوره‌گرایی
- (۸۶) هویت
- (۸۹) نوزایی
- (۹۱) روشنگری
- (۹۲) استقلال و آزادی
- (۹۳) اسماء
- (۹۴) استعار
- (۹۴) عرفی‌گری
- (۹۷) انقلاب
- (۹۸) انقلاب صنعتی
- (۹۹) اصلاحات
- (۹۹) حقوق بشر
- (۱۰۲) قانون
- (۱۰۴) تجدد و روشنفکری
- (۱۰۶) مشروطیت و جمهوریت
- (۱۱۵) مردم‌سالاری

فصل دوم سیر اندیشه از آغاز تا تمدن طلایی یونان و تا قرون وسطی (۱۲۱)

مقدمه (۱۲۱)

علم احکام نجوم زایچه‌ای (۱۲۵)

گشماره‌ای در ایران باستان (۱۲۶)

(۱۲۸)	نام ماه‌های ایرانی
(۱۲۹)	جشن‌های مذهبی و گاهنبارها
(۱۳۲)	تمدن طلایی یونان
(۱۵۱)	فصل سوم اندیشه‌های سقراط و افلاطون
(۱۵۱)	مقدمه
(۱۵۴)	سقراط
(۱۶۰)	افلاطون
(۱۶۲)	اساس عدل نیکوکاری است
(۱۶۳)	نهی شه‌خیالی
(۱۶۵)	نهی اعتدال
(۱۶۵)	مقامات پس‌پسیده ناپسند در موسیقی
(۱۶۸)	افسانه پیدایش اهلیات شهر
(۱۷۰)	ادامه گفتار در مورد شهر مطرب
(۱۷۱)	صفت اول - حکمت
(۱۷۱)	صفت دوم - شجاعت
(۱۷۲)	صفت سوم - خویشتن‌داری
(۱۷۲)	معنی خویشتن‌داری و عدالت در سازمان شهر
(۱۷۳)	تمیزدادن غیرت از شهوت و عقل
(۱۷۶)	تساوی زن و مرد
(۱۷۷)	هیأت خانواده
(۱۸۰)	آیا تأسیس شهر مطلوب عملی است؟
(۱۸۲)	سلطنت و حکومت فلاسفه
(۱۸۳)	فیلسوف عاشق حکمت تا‌مه است

- (۱۸۷) امکان سلطنتِ فلاسفه
- (۱۸۹) عالی‌ترین علم چیست ؟
- (۱۹۴) تمثیلِ غار
- (۱۹۷) عالمِ محسوسات زندان است
- (۱۹۹) وظایفِ فلاسفه
- (۲۰۰) علوم مفید برای فیلسوف
- (۲۰۳) تحصیلاتِ مقدّماتی
- (۲۰۶) حکومتِ دموکراسی و اخلاق افرادِ دموکرات
- (۲۱۱) سه نوعِ تخیل و سه صانع
- (۲۱۳) اصلِ بقیّه و وجودِ عالمِ بعد
- (۲۱۵) پایانِ سخنِ سترط
- (۲۲۵) فصلِ چهارم اندیشه‌های ارسطو معاً اول
- (۲۲۵) مقدّمه
- (۲۲۹) سازمانِ منطق
- (۲۳۱) طبیعت‌شناسی و زیست‌شناسی ارسطو
- (۲۳۲) مابعدالطبیعه و ذاتِ واجب‌الوجود از دیدگاه ارسطو
- (۲۳۴) نظر ارسطو در باره روانشناسی و ماهیتِ هنر
- (۲۳۶) اخلاق و حقیقتِ سعادت از دیدگاه ارسطو
- (۲۳۷) فلسفه سیاسی ارسطو
- (۲۳۷) دگرگونی‌ها در سیاست
- (۲۳۷) دفاع از حکومت دموکراسی
- (۲۳۸) تعریفِ قوای سه‌گانه حکومت
- (۲۳۸) تشریحِ دیگر انواع حکومت و شیوه پایداری آنها

- (۲۳۹) شیوه پایداری نگاه داشتن حکومت‌های ستمگر
- (۲۴۰) دشمنی ستمگران با آزادگان
- (۲۴۱) مبانی اصلی دموکراسی
- (۲۴۳) فصل پنجم عصر طلایی اندیشه در ایران
- (۲۴۳) مقدمه
- (۲۵۰) سیر تفکر در قرون وسطی
- (۲۵۷) علوم در سده‌های نخستین بعد از میلاد مسیح
- (۲۶۰) ویژگی‌های قرون وسطی
- (۲۶۴) عصر طلایی اندیشه در ایران
- (۲۶۸) ۱- ابن مقفع (۱۰۲ - ۱۳۶)^۱
- (۲۶۸) ۲- نوبخت (۵۵۰ -)
- (۲۶۹) ۳- فضل بن ریحان (۱۹۰ -)
- (۲۶۹) ۴- فرخان (۱۹۳ -)
- (۲۶۹) ۵- جابر بن حیان (۵۴۰ -)
- (۲۷۰) ۶- احمد نهاوندی (۲۱۴ -)
- (۲۷۰) ۷- بایزید بسطامی (۲۲۷ - ۱۵۴)
- (۲۷۱) ۸- خوارزمی (۲۲۵ - ۱۵۹)
- (۲۷۲) ۹- فرغانی (۲۴۰ -)
- (۲۷۲) ۱۰- ابن راوندی (۲۳۸ -)
- (۲۷۲) ۱۱- یحیی بن ابی منصور (۲۴۸ - ۱۶۴)
- (۲۷۲) ۱۲- مرورودی (۲۴۲ - ۱۷۹)
- (۲۷۳) ۱۳- برادران شاکر (۲۵۰ -)

۱- عدد داخل پرانتز نشان دهنده تاریخ تولد و وفات فرد مورد نظر تبدیل شده به سال شمسی است.

- ۱۴- دینوری (۲۵۱-۲۰۴) (۲۷۳)
- ۱۵- ماهانی (۲۶۲-۲۰۴) (۲۷۴)
- ۱۶- جعفر بلخی (۲۶۴-.) (۲۷۴)
- ۱۷- محمد بن جریر طبری (۳۰۱-۲۱۷) (۲۷۵)
- ۱۸- منصور حلاج (۳۰۰-۲۳۷) (۲۷۵)
- ۱۹- رودکی (۳۲۱-۲۴۰) (۲۷۶)
- ۲۰- رازی (۳۰۷-۲۴۶) (۲۷۶)
- ۲۱- نیریزی (۳۱۰-.) (۲۷۹)
- ۲۲- ابوالحسن اشعری (۳۱۴-۲۵۲) (*)^۱ (۲۸۰)
- ۲۳- فردوسی (۳۰۰-۲۵۰) (۲۸۰)
- ۲۴- خراسانی (۳۴۰-۲۴۰) (۲۸۱)
- ۲۵- مروزی (۳۴۰-۳۵۰) (۲۸۱)
- ۲۶- اصطخری (سده ۴) (۲۸۲)
- ۲۷- صوفی رازی (۳۶۵-۲۸۲) (۲۸۲)
- ۲۸- صاغانی اسطرلابی (۳۶۹-.) (۲۸۳)
- ۲۹- شیخ صدوق: ابن بابویه (۳۷۰-.) (۲۸۳)
- ۳۰- مجوسی (۳۷۲-.) (۲۸۳)
- ۳۱- ابوالوفا بوزجانی (۳۷۷-۳۱۹) (۲۸۳)
- ۳۲- موفق هروی (سده ۴ شمسی) (۲۸۴)
- ۳۳- خجندی (۳۷۹-.) (۲۸۵)
- ۳۴- جوهری (۳۸۰-.) (۲۸۵)
- ۳۵- محمد بن لیث (۳۸۸-.) (۲۸۶)

۱- علامت (*) نشانه این است که زادگاه فرد مورد نظر، ایران امروزی نیست، ولی اندیشه‌های او تأثیر ماندگاری در اندیشه‌های مفاخر ایرانی داشته است.

- ۳۶- کوشیار گیلانی (۳۲۰ --) (۲۸۶)
- ۳۷- فضل اصفهانی (سده ۴ شمسی) (۲۸۶)
- ۳۸- ابوسعید سنجرى (سده ۴ شمسی) (۲۸۶)
- ۳۹- ابوالحسن اهوازی (سده ۴ شمسی) (۲۸۷)
- ۴۰- بیژن کوهی (۳۹۳ --) (۲۸۷)
- ۴۱- فردوسی (۴۰۳ - ۳۱۹) (۲۸۸)
- ۴۲- کرجی (۴۰۸ --) (۲۸۸)
- ۴۳- ابن مسکویه (۴۰۸ --) (۲۸۹)
- ۴۴- طاهر بغدادی (۴۱۶ --) (۲۸۹)
- ۴۵- ابن هبش (۴۱۸ - ۳۴۴) (*) (۲۸۹)
- ۴۶- شیخ ابوالحسن خرقانی (۴۲۵ - ۳۵۲) (۲۹۰)
- ۴۷- ابن سنان (۴۱۸ - ۳۵۹) (۲۹۱)
- ۴۸- ابوریحان بیرونی (۴۳۰ - ۳۶۲) (۲۹۳)
- ۴۹- ابوسعید ابوالخیر (۴۲۰ - ۳۵۷) (۲۹۵)
- ۵۰- علی بیهقی (۴۵۶ - ۳۷۳) (۲۹۶)
- ۵۱- ناصر خسرو قبادیانی (۴۶۸ - ۴۸۳) (۲۹۶)
- ۵۲- علی نسوی (۴۵۹ - ۳۸۱) (۲۹۶)
- ۵۳- ابونصر عراقی (۴۶۹ --) (۲۹۷)
- ۵۴- خواجه نظام الملک (۴۷۰ - ۳۹۶) (۲۹۷)
- ۵۵- ختّام (۵۰۱ - ۴۱۷) (۲۹۸)
- ۵۶- امام محمد غزالی (۴۹۰ - ۴۳۷) (۲۹۹)
- ۵۷- مظفر اسفزاری (۵۰۰ --) (۲۹۹)
- ۵۸- عبدالرحمن خازنی (۴۶۸ --) (*) (۲۹۹)
- ۵۹- اسماعیل جرجانی (۵۱۴ --) (۳۰۰)

- ۶۰ - بدیع اسطرلابی (۵۱۷ - -) (۳۰۰)
- ۶۱ - محمد بن احمد خرقی (۵۱۷ - -) (۳۰۰)
- ۶۲ - شهرستانی (۵۳۱ - ۴۵۵) (۳۰۱)
- ۶۳ - عین القضات همدانی (۵۱۱ - ۴۷۸) (۳۰۲)
- ۶۴ - طغرائی (۵۴۰ - ۵۰۰) (۳۰۲)
- ۶۵ - ابن رشد (۵۷۷ - ۵۰۴) (*) (۳۰۲)
- ۶۶ - شهاب الدین سهروردی (۵۷۰ - ۵۳۳) (۳۰۴)
- ۶۷ - عماد الدین اصفهانی (۵۸۰ - ۵۰۴) (۳۰۴)
- ۶۸ - امام جیرازی (۵۸۹ - ۵۲۸) (۳۰۵)
- ۶۹ - نظام عروضی (سده ۶ شمسی) (۳۰۵)
- ۷۰ - عبدالمجتبى شیرازی (سده ۶ شمسی) (۳۰۶)
- ۷۱ - مظفر طوسی (۵۵۰ - -) (۳۰۶)
- ۷۲ - نظامی گنجوی (۶۰۰ - -) (۳۰۷)
- ۷۳ - نجیب الدین سمرقندی (۶۰۰ - -) (۳۰۷)
- ۷۴ - عطار نیشابوری (۶۰۸ - -) (۳۰۷)
- ۷۵ - ابوبکر تبریزی (سده ۷ شمسی) (۳۰۸)
- ۷۶ - ابرى اصفهانی (سده ۷ شمسی) (۳۰۸)
- ۷۷ - ابن عربی (۶۱۸ - ۵۴۳) (*) (۳۰۸)
- ۷۸ - ابن صلاح (۶۲۳ - ۵۶۰) (۳۰۹)
- ۷۹ - شمس الدین تبریزی (۶۲۷ - ۵۶۵) (۳۱۰)
- ۸۰ - اثیر الدین ابهری (۶۴۱ - -) (۳۱۰)
- ۸۱ - مولوی (۶۵۱ - ۵۸۶) (۳۱۱)
- ۸۲ - خواجه نصیر الدین طوسی (۶۵۲ - ۵۷۹) (۳۱۲)
- ۸۳ - علی کاتبی (۶۵۵ - -) (۳۱۲)

- ۸۴ - سعدی (۶۶۲ - ۵۶۳) (۳۱۳)
- ۸۵ - قزوینی (۶۶۲ - ۵۸۲) (۳۱۴)
- ۸۶ - جوینی (۶۶۲ - ۶۱۲) (۳۱۵)
- ۸۷ - بیضاوی (۶۶۴ -) (۳۱۶)
- ۸۸ - عراقی (۶۶۷ -) (۳۱۶)
- ۸۹ - قطب الدین شیرازی (۶۱۵ -) (۳۱۷)
- ۹۰ - ابوبکر فارسی (سده ۷ شمسی) (۳۱۹)
- ۹۱ - محمد سمرقندی (سده ۷ شمسی) (۳۲۰)
- ۹۲ - نظام الدین نیشابوری (سده ۷ شمسی) (۳۲۰)
- ۹۳ - شیخ محمود شبستری (۶۹۶ -) (۳۲۱)
- ۹۴ - عبداللّٰه همدانی (۶۹۷ - ۶۲۶) (۳۲۱)
- ۹۵ - کمال الدین فارسی (۶۹۸ - ۶۳۰) (۳۲۳)
- ۹۶ - عبدالله کاشانی (سده ۷ شمسی) (۳۲۴)
- ۹۷ - حمدالله مستوفی (۷۱۰ - ۶۶۰) (۳۲۵)
- ۹۸ - بناکتی (۷۰۸ -) (۳۲۷)
- ۹۹ - محمود شیرازی (۷۰۹ -) (۳۲۸)
- ۱۰۰ - امین الدین ابهری (۷۱۲ -) (۳۲۸)
- ۱۰۱ - شمس الدین میرک (۷۱۸ -) (۳۲۹)
- ۱۰۲ - محمود جغمینی (۷۲۳ -) (۳۲۹)
- ۱۰۳ - محمود آملی (۷۳۱ -) (۳۲۹)
- ۱۰۴ - حافظ (۷۶۸ - ۶۹۹) (۳۳۰)
- ۱۰۵ - ابن خلدون (۷۸۰ - ۷۰۸) (*) (۳۳۱)
- ۱۰۶ - زین عطار (۷۳۹ - ۷۰۸) (۳۳۳)
- ۱۰۷ - فیروزآبادی (۷۳۹ - ۷۰۸) (۳۳۴)

- (۳۳۵) ۱۰۸ - غیاث‌الدین جمشید کاشانی (۸۱۵ -)
- (۳۳۶) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
- (۳۳۷) فصل ششم اندیشه‌های عرفانی بایزید بسطامی
- (۳۳۷) مقدمه
- (۳۳۸) گزیده‌هایی از کلام بایزید بسطامی
- (۳۴۵) فصل هفتم اندیشه‌های علمی خوارزمی در ریاضیات و نجوم
- (۳۴۵) مقدمه
- (۳۴۶) ریاضیات علم
- (۳۵۱) زمین‌خواری
- (۳۵۲) کارهای نوآوری در زمینه اخترشناسی و جغرافی
- (۳۵۴) کارهای خوارزمی در زمینه حساب و جبر
- (۳۶۲) پایان بحث
- (۳۶۵) فصل هشتم اندیشه‌های عرفانی منصور حلاج
- (۳۶۵) مقدمه
- (۳۶۹) اهمیت سال ۲۵۲ شمسی در تاریخ اسلام
- (۳۷۴) سیر در آفاق
- (۳۷۷) خصم بیدار می‌شود
- (۳۷۷) دستگیری و زندان
- (۳۷۹) محاکمه اول
- (۳۷۹) آرامش در زندان
- (۳۸۰) محاکمه دوم
- (۳۸۱) عین‌الجمع
- (۳۸۳) محکومیت

(۳۸۹) مصلوبِ عشق

(۳۹۰) اخبار الحلاج

فصل نهم اندیشه‌های هنری رودکی در شعر و موسیقی

(۳۹۳) مقدمه

(۳۹۴) گزیده‌هایی از سروده‌های رودکی

فصل دهم اندیشه‌های علمی - فلسفی رازی

(۳۹۹) مقدمه

(۴۱۳) کتاب‌های رازی در پزشکی

(۴۱۵) کتاب‌های رازی در طبیعیات

(۴۱۷) کتاب‌های رازی در منطقیات

(۴۱۷) کتاب‌های رازی در ریاضیات و نجوم

(۴۱۸) کتاب‌های رازی در طب و تلخیص‌ها و اختصارات

(۴۱۸) کتاب‌های رازی در فاضلات

(۴۱۹) کتاب‌های رازی در مافوق‌الطبیعه

(۴۲۰) کتاب‌های رازی در الهیات

(۴۲۰) کتاب‌های رازی در کیمیائیات

(۴۲۱) کتاب‌های رازی در کفریات

(۴۲۲) کتاب‌های رازی در فنون مختلف

(۴۲۳) سیرة الفلسفیه

فصل یازدهم فارابی و اندیشه‌ی مدینه‌ی فاضله

(۴۲۹) مقدمه

(۴۳۰) ریاست اول

(۴۳۱) دین ایران باستان توحیدی بوده است

- (۴۳۱) حکمت عملی و نظامات حکومتی روم
- (۴۳۲) خلاصه کلام
- (۴۳۳) حکمت عملی در یونان باستان
- (۴۳۴) حکومت اراذل بر افاضل
- (۴۳۴) مبادی مدینه فاضله از نظر فارابی
- (۴۳۵) مراتب نفوس
- (۴۳۶) عقل فعال
- (۴۳۶) موجودات عالم
- (۴۳۷) تشبیه مدینه به بدن انسان
- (۴۳۸) خیر و شر
- (۴۳۹) جور و ظلم
- (۴۳۹) ماده اولی
- (۴۳۹) تضاد در عالم طبیعت
- (۴۴۰) حیوان و نبات
- (۴۴۰) اجتماعات شهری یا شهرنشینی
- (۴۴۱) سعادت
- (۴۴۱) نظامات اجتماعی و حکومتی مدینه فاضله از نظر فارابی
- (۴۴۳) اختلاف مردم در فطرت و دریافت حقایق
- (۴۴۳) مدینه و ریاست اول
- (۴۴۴) مراتب ریاست‌ها
- (۴۴۵) رئیس یا رؤسای مدینه
- (۴۴۵) رؤسای اصناف
- (۴۴۵) رابطه رئیس اول با مردم
- (۴۴۶) طبقات حکومتی

- فُدتِ مدینه (۴۴۶)
- تخصّص در مشاغل (۴۴۷)
- مدینه‌های غیرفاضله از نظر فارابی (۴۴۷)
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری (۴۴۹)
- فصل دوازدهم اندیشه‌های هنری فردوسی - شاهنامه سندِ هویتِ ایرانی (۴۵۹)
- مقدمه (۴۵۹)
- آغاز کتاب (۴۷۵)
- گفتار اندر ستایشِ خِرَد (۴۷۵)
- نهار اندر آفرینشِ جهان (۴۷۵)
- نهار اندر آفرینشِ جانوران و مردمان (۴۷۵)
- کیومرث (۴۷۶)
- پادشاهیِ هوشنگ (۴۷۷)
- پادشاهیِ تهمورس (۴۷۸)
- جمشید (۴۷۸)
- داستانِ مرداس (۴۷۹)
- پادشاهیِ ضحاک (۴۸۲)
- داستانِ فریدون (۴۸۳)
- داستانِ کاوهٔ آهنگر با ضحاک (۴۸۵)
- آهنگِ جنگِ فریدون با ضحاک (۴۸۶)
- بخش کردنِ فریدون جهان را بر پسران (۴۸۷)
- گفتار اندر زادنِ رستم (۴۸۸)
- داستانِ سیاوخش (۴۸۹)
- باز آمدنِ سیاوش از زابلستان (۴۹۰)

- (۴۹۰) عاشق شدن سودابه بر سیاوش
- (۴۹۳) فریب دادن سودابه کاووس را
- (۴۹۴) گذشتن سیاوش بر آتش
- (۴۹۶) پادشاهی گشتاسپ
- (۴۹۶) پیدا شدن زرتشت و پذیرفتن گشتاسپ دینِ او را
- (۴۹۸) آغازِ رزم ایرانیان و تورانیان
- (۴۹۹) مرستادنِ گشتاسپ اسفندیار را به همه کشور و دینِ به گرفتن ایشان ازو
- (۵۰۱) خواستن اسفندیار پادشاهی را از پدر
- (۵۰۳) داستانِ رستِ اسفندیار
- (۵۰۶) اندرز کردنِ اسفندیار رستم را
- (۵۰۸) سپردن گشتاسپ شاهی به بهمن
- (۵۰۸) پادشاهیِ بهمنِ اسفندیار
- (۵۰۹) پادشاهیِ همای چهارآزاد
- (۵۱۳) پادشاهیِ داراب (کوروش هخامنشی)
- (۵۱۴) پادشاهیِ دارا (داریوش هخامنشی)
- (۵۱۴) یورشِ اسکندر به ایران
- (۵۱۷) رزمِ نخستِ اسکندر و دارا
- (۵۱۷) دو دیگرِ نبردِ اسکندر با دارا
- (۵۱۸) سدیگرِ نبردِ اسکندر با دارا
- (۵۱۹) پادشاهیِ اشکانیان
- (۵۲۲) پادشاهیِ ساسانیان و بر تخت نشستنِ اردشیر
- (۵۲۵) گفتارِ فردوسی
- (۵۲۵) پیمانِ اردشیرِ بابکان با شاپور
- (۵۲۷) پادشاهیِ شاپور

پادشاهی شاپور دوم (۵۲۷)

پدیدار شدن مانی (۵۲۸)

پادشاهی قباد و پذیرفتن دین مزدک را (۵۲۹)

آویختن کسری مزدک را و کشتن یاران او را (۵۳۱)

پادشاهی خسرو پرویز - آغاز داستان (۵۳۳)

ساختن خسرو ایوان مداین را (۵۳۳)

پادشاهی یزدگرد (۵۳۶)

تاختن سعد و قاص به ایران و فرستادن یزدگرد رستم فرخزاد را به جنگ او (۵۳۶)

نامه رستم فرخزاد به سعد ابی وقاص (۵۳۹)

پاسی سعد و قاص به نامه رستم فرخزاد (۵۳۹)

جنگ رستم فرخزاد با سعد و قاص و کشته شدن رستم (۵۴۱)

رأی زدن یزدگرد و انیان و رفتن به سوی خراسان (۵۴۲)

تاریخ انجام شده نام (۵۴۲)

فصل سیزدهم اندیشه‌های علمی ابوریحان بیرونی در ریاضیات و نجوم (۵۴۳)

مقدمه (۵۴۳)

کتاب التفهیم فارسی و عربی (۵۴۶)

اعتراض فخر رازی بر کتاب التفهیم (۵۴۶)

اهمیت کتاب التفهیم (۵۴۷)

باب نخستین در هندسه (۵۴۹)

باب دوم در شمار (۵۶۱)

باب سیوم حال‌های آسمان و زمین (۵۶۵)

باب چهارم در اسطرلاب (۵۷۸)

باب پنجم در احکام نجوم (۵۷۸)

فهرست کتاب‌های ابوریحان بیرونی (۵۸۲)

فصل چهاردهم اندیشه‌های علمی، هنری، و فلسفی ختّام (۵۹۵)

مقدمه (۵۹۵)

رباعیات (۵۹۸)

فصل پانزدهم اندیشه‌های علمی جمشید کاشانی در ریاضیات و نجوم (۶۰۹)

مقدمه (۶۰۹)

مختصری، از زندگی و آثار (۶۱۰)

فصل شانزدهم دلایل طلوع و افول عصر طلایی اندیشه در ایران (۶۱۹)

مقدمه (۶۱۹)

دین دولتی و دولت - دینی (۶۲۲)

مسأله توسعه در ایران (۶۲۳)

چرا اعراب بر ایران دست یافتند؟ (۶۲۴)

ایرانیان چه نقشی در تمدن به اصطلاح اسلامی داشتند؟ (۶۲۶)

نهضت‌های عقل‌گرا پس از پیدایش اسلام: چگونه بوجود آمد؟ (۶۲۷)

نظریه‌های مطرح، در بیان دلایل توسعه نیافتگی ایران؟ (۶۳۳)

عصر ترجمه و مهاجرت علم از ایران (۶۴۱)

آدلارد بائی (۶۴۷)

یوحنا (خوان) اشیلی (۶۴۷)

گوندیسالوو (۶۴۸)

هوگ سانتالایی (۶۴۹)

رابرت چستری (۶۵۰)

ژرار کرمونایی (۶۵۰)

(۶۵۲) مناسبات دین و دولت در عصر صفوی

(۶۵۳) آغاز عصر غیبت و علماء شیعه

(۶۵۴) مفاهیم دین و دولت و مناسبت آنها

(۶۵۶) نهاد دینی در دوره شاه طهماسب و شکل‌گیری روحانیت شیعه

(۶۵۷) اوج و اعتلای دولت، بسط و گسترش دین در سلطنت شاه عباس اول

(۶۵۷) مبانی نظری سلطنت شاه عباس اول و ماهیت حکومت او

(۶۵۸) کنش دین و دولت در ایران عصر صفوی

فصل هفدهم نوزایی و روشنگری

(۶۶۳) مقدمه

(۶۶۶) چرا اندیشه سر روشنگری

(۶۷۰) طبیعت شناخت طبیعت در اندیشه فلسفه روشنگری

(۶۷۸) تسخیر جهان تا بیخ

(۶۸۲) قانون، دولت، جامعه

فصل هجدهم آسیب‌شناسی فلسفه در ایران

(۶۹۱) مقدمه

(۶۹۳) ارسطوی آتن یا ارسطوی بغداد؟

(۶۹۷) افلاطون یا زرتشت؟

(۶۹۸) ابوریحان بیرونی

(۷۰۱) مکتب اصفهان

(۷۰۴) فلسفه یا الهیات؟

(۷۰۷) روشنایی و تاریکی

(۷۰۹) فیلسوف، سیاستمدار، شهید

(۷۱۸) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

(۷۲۵) نمایه

(۷۴۹) کتاب‌شناسی

www.ketab.ir

مقدمه

به نام خداوند جان و خرد گزین برتر اندیشه بر نگذرد

تمدن^۱ بشری بر مسر پررفت و تعالی خود، پیوسته با تقابل دو مکتب فکری واقع‌گرایی^۲ و آرمان‌گرایی^۳ روبرو بوده است. دامنه این تقابل دائمی و تأثیرات متضاد آن بر حیات بشری تا آنجاست که برخی از فیلسوفان و اندیس‌مندی حوزه علوم انسانی، اصولاً پیدایش و شکل‌گیری تمدن را ناشی از برخورد این دو تفکر در گستره تاریخ^۴ قلم‌گرفته‌اند و نتایج حاصله از این تقابل و رویارویی را مهم‌ترین عامل پیشرفت یا عقب‌ماندگی جوامع دانسته‌اند. گروهی از فیلسوفان از این طرز تلقی هم عبور کرده و دلیل اصلی پیشرفت یا عقب‌ماندگی جوامع را مستقیماً متأثر از فقر و غنای تفکر فلسفی در آن جوامع اعلام کرده‌اند. نمونه این برداشتها را می‌توان در آثار مکتوب "فقر فلسفه" و "فلسفه فقر" فیلسوفانی نظیر مارکس^۵ و پرودن^۵ مشاهده کرد.

گزارش حاضر، محصول حدود سی سال پژوهش برای شناخت نهایی تمدن و توسعه و ریشه‌یابی دلایل توسعه‌نیافتگی ایران از طریق مطالعه آثار و کتاب‌های متعدد نویسندگان صاحب‌نظر در این زمینه و گفت‌وشنود با نخبگان و دانشجویان می‌باشد که چکیده آن در اعلام چهار نظریه مرتبط به هم و مکمل یکدیگر به شرح زیر خلاصه می‌شود:

1 - Civilization

2 - Realism

3 - Idealism

4 - Karl Marx

5 - Pierre-Joseph Proudhon

اول - آرمان‌گرایی مرزهای یک تمدن را تعیین می‌کند و واقع‌گرایی ساختنِ تمدن در یک ساختار سه‌بعدی علم^۱ در طول، هنر^۲ در عرض، و فلسفه^۳ در ارتفاع را به‌عهده دارد. تبیینِ تمدن در این ساختار سه‌بعدی را اندیشه^۴ به کمک سه موتور محرکه عشق^۵، هوش^۶، و عقل^۷ به‌عهده دارد. عشق، موتور محرکه هنر، هوش، موتور محرکه علم، و عقل، موتور محرکه فلسفه است. موتورهای محرکه عشق، هوش، و عقل سه ویژگی ذاتی انسان هستند که در هر انسانی کم و بیش بالقوه وجود دارند و فعال شدن آنها مستلزم روشنگری و تعلیم و تربیت است.

دوم - فایده مستقل از آنچه که دین^۸ به‌اتکای وحی^۹ برای آخرت انسان تدارک دیده است، به‌اتکای عقل سازوکارهای حقوقی، سیاسی، و اقتصادی را برای بهزیستی انسان در این دنیا تحت عنوانِ تمدن و توسعه فراهم می‌آورد.

سوم - توسعه نشان‌دهنده کیفیتِ تمدن است و رسیدن به توسعه پایدار یعنی کیفیت‌بخشی مستمر به‌تمدن، مستلزم وحدتِ آزادی^{۱۱} و استقرارِ واقع‌گرایی می‌باشد، این درحالی است که آرمان‌گرایی با آزادی و واقع‌گرایی در تضاد قرار دارد، در نتیجه ساختنِ تمدن و فراهم آمدنِ توسعه پایدار محصولِ تقابلِ ولی و فقیه است که تعادل بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است.

چهارم - آزادی پیش‌نیازِ فلسفه است و فلسفه با دسترسِ حقیقتِ نفی هرگونه مرجعیت، موتور پیش‌برنده توسعه می‌باشد. فقط در یک جامعه آزاد، فلسفه به تولیدِ مرجعیت‌های متصلب را نفی و موجب تولیداتِ جدید علمی و هنری شود. تولیداتِ جدید نیز به‌مرور زمان چارِ تصلب می‌شوند ولی همین چرخه مستمر نفی و استقرارِ محصولاتِ فلسفی، شرایطِ توسعه را فراهم می‌آورد.

الزاماتِ تمدن و توسعه عبارتند از: (۱)- وجودِ آزادی، (۲)- وجودِ تفکرِ فلسفی، (۳)- تقدسِ زدایی (نفیِ فرّءایزدی و ضلَبِ مقدّس)، و (۴)- خرافه‌زدایی (نفیِ خرافات و مهملات).

1 - Science

2 - Art

3 - Philosophy

4 - Thought

5 - Love

6 - Intelligence

7 - Wisdom = Reasonable Reason

8 - Religion

9 - Inspiration

10- Development

11 - Freedom

این کتاب دو هدف دارد: هدف اصلی، انتقال تجربه و روشنگری برای ایرانیان دلسوز و علاقمند به امور اساسی کشور ایران است؛ ولی نگارش نوعی نصیحت‌الملوک به سبک امروزی برای کنشگران سیاسی و مسئولان جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان هدف فرعی مد نظر می‌باشد. به قول سعدی:

من آنچه شرط بلاغت با تو می‌گویم تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال

هنگامی که تمدن را در ابعاد سه گانه طول و عرض و ارتفاع در نظر آوریم، ملاحظه خواهیم کرد:

(۱) - اندیشه علمی، به کمک موتور محرکه هوش، طول تمدن را می‌سازد که دست‌آورد آن علوم طبیعی^۱ شامل انواع رشته‌های علمی از قبیل: علوم پایه، علوم کاربردی، علوم پزشکی، و سایر رشته‌هایی است که موضوع همگی آنها مطالعه خواص و رابطه علت و معلولی موجودات عینی^۲ در جهان طبیعتی است. رشته‌های علمی دامنه وسیع و فهرست بلندبالایی دارد زیرا عرصه مطالعات علمی، تمام موجبات دسترسی در جهان هستی را شامل می‌شود. هدف علم کشف رازها و روابط علت و معلولی جهان مادی است.

(۲) - اندیشه هنری، با کمک موتور محرکه عشق، عرض تمدن را به وجود می‌آورد که نتیجه آن انواع تولیدات هفت‌گانه هنر است که در یک تعریف موسّع، شامل درک دینی، رفتار اخلاقی، و تجربه‌های عرفانی نیز می‌باشد. هنر سانسو وسیله ارتباط رشته‌های مطالعاتی را شامل می‌شود که همگی ماورای طبیعی^۳ هستند و به عالم ذهنی انسان تعلق دارند. رشته‌ها و محصولات اندیشه هنری را بدرستی امور انسانی^۴ نامیده‌اند که اصطلاحاً علم انسانی هم نامیده می‌شود. البته اطلاق علم به اینگونه امور اطلاق درستی نیست و همان امور انسانی مناسب‌تر است. هنر به عنوان تنها زبان مشترک برای بیان عواطف بشر، بهترین خمیرمایه و چسب رایج برای برقراری روابط انسانی است. هدف هنر معنا دادن به زندگی و تأمین کردن پهنای اندیشه جامع انسانی است.

(۳) - اندیشه فلسفی بُعد سوم تمدن است که به نظر نگارنده، حیات بخش تمدن و توسعه پایدار می‌باشد. اندیشه فلسفی، به کمک موتور محرکه عقل، با بهره‌برداری از دست‌آوردهای اندیشه‌های علمی و هنری، ارتفاع تمدن را سامان می‌دهد که محصول آن انواع سازه‌های اجتماعی و مدنی شامل: حقوق، سیاست، اقتصاد است. این سازه‌های اجتماعی را اصطلاحاً علوم اجتماعی

1 - Natural Sciences

3 - Art

5 - Subjective

2 - Objective

4 - Metaphysical

6 - Humanities

نیز می‌نامند هر چند که سازه‌های اجتماعی نام‌رستاری است. فلسفه نقش مهم پیش‌برندگی و کیفیت‌بخشی به تمدن را از طریق نفی مرجعیت‌های متصلب علمی و هنری هم به‌عهده دارد که نتیجه آن پیشرفت علم و هنر و ارتقای کیفیت تمدن است که ما آنرا توسعه پایدار می‌نامیم.

خارج کردن مقوله‌های حقوق، سیاست، و اقتصاد از حوزه اندیشه علمی و قرار دادن آنها در حوزه اندیشه فلسفی، ستون اصلی نظریه ابعاد سه‌گانه تمدن و توسعه است که مانند اصل‌های وضع شده در هندسه اقلیدسی^۱ که به دلیل بدیهی و مسلم بودن نیازی به اثبات ندارند و هرکس از طریق آزمایش به صحت آن پی می‌برد، جزو اصول موضوعه این کتاب می‌باشد. این اصول اثبات نمی‌شوند و از هر کس در جامعه و اطراف خود می‌تواند صحت آنرا مشاهده کند. اصول موضوعه فوق به دفعات در سایر شواهد مربوط، در این کتاب تکرار می‌شوند و مورد استناد قرار می‌گیرند. با توجه به ابعاد سه‌گانه تمدن، به نفع نگارنده ساختار یک دانشگاه جامع می‌تواند شامل پنج دانشکده به نام‌های: دانشکده علوم پایه، دانشکده علوم پزشکی^۲، دانشکده مهندسی و علوم کاربردی^۳، دانشکده فلسفه و علوم اجتماعی، و دانشکده هنر و امور انسانی^۴ باشد.

تاریخ فلسفه حکایت از وجود دو دیدگاه فلسفی به نام‌های فلسفه نظری و فلسفه عملی دارد. در این کتاب، فلسفه نظری چندان مد نظر نیست و به نفع نگارنده از ضرورت حیاتی تفکر فلسفی، فلسفه عملی است، چراکه در یکی از قدیمی‌ترین گفتارها^۵ متوجه شدیم که موضوع فلسفه یعنی جمهوری افلاطون^۶، صرف نظر از بحث نظری ایده و مثل، گفتار اصلی سقراط بر سر این است که در مدینه فاضله (آرمانشهر)، نظام حکومتی یعنی حقوق، سیاست، اقتصاد، چگونه باید باشد. بنابراین، قرار گرفتن سازه‌های اصلی حکومت‌ها یعنی حقوق، سیاست، اقتصاد، به عنوان اجزاء و زیرمجموعه فلسفه عملی، ابداع نگارنده نیست، بلکه قدمتی به قدمت تاریخ دارد. و به همین

۱ - درستی اصول پنجگانه اقلیدس، به نام اصول موضوعه، جزو مسلمانات هندسه است که نیازی به اثبات ندارد ولی تمام قضایای هندسه مسطحه با پذیرش درستی این اصول اثبات می‌شوند. اصول موضوعه هندسه اقلیدسی عبارتند از: (۱) - بین دو نقطه فقط یک خط راست وجود دارد. (۲) - دو خط موازی به هم نمی‌رسند. (۳) - کشیدن فقط یک دایره به هر مرکز و هر شعاع ممکن است. (۴) - همه زوایای قائمه با هم برابرند. (۵) - اگر خط راستی دو خط را قطع کند چنان که زوایای داخلی واقع در یک طرف آن خط جمعاً از دو قائمه کمتر باشند، این دو خط حتماً در همان طرفی که مجموع دو زاویه کمتر از دو قائمه است، یکدیگر را قطع می‌کنند.

2 - School Of Sciences

3 - Medical School

4 - School Of Engineerig & Applied Sciences

5 - School Of Philosophy & Social Sciences

6 - School Of Art & Humanities

7 - Plato Republic

دلیل در هر جامعه‌ای که فقر فلسفی وجود دارد، سیاست، و اقتصاد بی‌سر و سامان و آلوده به فساد است. ارائه مفهوم تمدن در ابعاد سه گانه هندسی که در آن علم نقش طول و هنر نقش عرض و فلسفه نقش ارتفاع را به عهده دارد در اینجا معنی دار و نقش آفرین می‌شود. زیرا در هندسه طول و عرض به تنهایی جنبه انتزاعی دارند و تا ارتفاع نباشد عینیتی به وجود نمی‌آید. با چنین تعبیری نقش فلسفه به عنوان عینیت بخش و برپا کننده تمدن به وضوح آشکار می‌گردد.

البته باید نقش و عملکرد ابعاد سه گانه علم، هنر، و فلسفه را تفکیک و از خلط این مبانی معرفتی جلوگیری کرد. یک راه ساده برای تشخیص مرزبندی انواع اندیشه‌های علمی، هنری، و فلسفی، بررسی انواع گزاره‌های مربوط به انواع اندیشه‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱- گزاره‌های علمی: گزاره‌های علمی اثباتی هستند. یعنی هر گزاره‌ای که بتوان درستی آنرا به وسیله تجربه اثبات کرد، آن گزاره علمی است و در محور علم قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر هر کس در شرایط یکسان این گزاره‌ها را تجربه کند به نتیجه واحدی خواهد رسید مانند: «آب در صد درجه به جوش می‌آید.» و یا «بعضی روایای یک مثلث ۱۸۰ درجه است.» این دو گزاره علمی هستند و از قطعیت بالایی برخوردار می‌باشند. البته دست‌آوردهای علمی هم در مواردی ابطال پذیرند که این خود نشانه پیشرفت علمی است. درست و نادرست مخصوص اندیشه علمی و گزاره‌های علمی می‌باشد. لازم است با ذکر مثالی فرق بین درست و نادرست علمی و نادرست اخلاقی بیان شود: دزدی که با بررسی تمام جوانب، دزدی می‌کند و قتل می‌شود کارش را درست انجام داده ولی کار نادرستی را مرتکب شده است. جهان مادی موضوع علم، و ریاضیات زبان علم است.

۲- گزاره‌های هنری: گزاره‌های هنری اقناعی هستند. معنای اقناعی این است که مخاطبان این گزاره‌ها باید احکام گزاره‌های مذکور را بپذیرند و قانع شوند. بنابراین، آنچه در حوزه انواع هنرها گفته و نوشته شده و یا به تصویر و سجع درآمده است، همه اقناعی هستند. یعنی ممکن است بعضی افراد ادعای آن گزاره‌ها را بپذیرند و قانع شوند و بعضی دیگر نپذیرند و قانع نشوند. حال این گزاره‌ها را در نظر بگیریم: «موسیقی کلاسیک آرامش بخش است.»، «عیسی مسیح از مریم باکره زاده شده و فرزند خداست.»، «باید به مستمندان کمک کرد.»، و «بایزید بسطامی گفت: سبحانی ما اعظم شأنی.» در مثال‌های فوق، گزاره اول مربوط به احساس هنری، گزاره دوم مربوط به درک دینی، گزاره

سوم مربوط به رفتار اخلاقی، و گزاره چهارم مربوط به تجربه عرفانی است. هریک از این گزاره‌ها قانع‌کننده بعضی از انسان‌ها می‌باشد ولی برای بعضی دیگر قابل قبول و اقناع‌کننده نیست. یعنی هر کس دارای احساس هنری، درک دینی، تجربه عرفانی، و رفتار اخلاقی مخصوص به خود است. خوب و بد یا زشت و زیبا اختصاص به عرصه هنر و گزاره‌های هنری دارد.

۳- گزاره‌های فلسفی: گزاره‌های فلسفی، گزاره‌هایی عقلانی و استدلالی در جهت تدبیر امور و تأمین منافع جمعی یک جامعه هستند. زبان فلسفه زبان عقل ذاتی انسان است. فلسفه با تکیه به عقل، از دست‌آوردهای علمی و هنری بهره‌برداری می‌کند تا سازه‌های اجتماعی لازم برای جوامع از قبیل قانون، سیاست، و اقتصاد را ساماندهی کند. انسان‌ها با وجود تضاد منافع و حتی جنگ با هم‌نوعان، عمدتاً در بهره‌برداری از منابع طبیعی، همواره در اجتماع و در کنار هم‌نوعان خود زندگی کرده و می‌کنند و برای رفع نیازهای خود، چاره‌ای جز اجتماع عقول و پذیرفتن و برقراری نوعی قرارداد اجتماعی با هم‌نوعان ندارند. اجتماعات انسانی از اعماق تاریخ تا به امروز به صورت قبیله، روستا، و یا شهر با نوعی قرارداد اجتماعی، استقرار یافته است. اینجاست که وجود فلسفه به عنوان زمینه‌ساز قرارداد اجتماعی و فیلسوف به عنوان مابین جوامع انسانی ضرورت می‌یابد و قرارداد اجتماعی توسط فلاسفه یعنی عقلای قوم، طراحی می‌شود. اقتصاد، و حقوق تبیین و به مرور اصلاح و بهینه می‌شود و به مورد اجرا در می‌آید. گزاره‌های فلسفی، به اثبات علمی و یا اقناع هنری ندارند، بلکه، جنبه استدلال عقلانی دارند. به عنوان مثال گزاره «عدالت اجتماعی در حکومت سوسیال دموکراسی وجود دارد.» یک گزاره فلسفی است. این گزاره نه علمی است، نه اقناعی، بلکه فقط قابل دفاع برای تأمین منافع جمعی یک اجتماع است. ساختارهای سیاسی، اقتصادی، و حقوقی یک جامعه مبتنی بر فلسفه سیاسی آن اجتماع است و همگی محصول اندیشه فلسفی هستند. واژه‌های مفید و مضر متعلق به عرصه فلسفه و گزاره‌های فلسفی است.

رشد هماهنگ و متوازن اندیشه‌های علمی، هنری، و فلسفی موجب تشکیل تمدن و تکامل زندگی مادی و معنوی انسان و تحقق رفاه و بهزیستی فردی، اجتماعی، و سیاسی در جوامع انسانی است که از آن به توسعه پایدار، تعبیر می‌شود.

مهم‌ترین دلیل ناپایداری تمدن و توسعه نیافتگی ایران، نبود آزادی و فقر تفکر فلسفی یعنی تفکری نقاد، پویا و خلاق به عنوان بعد سوم تمدن است. مطالعه فراز و فرود تاریخ ایران

خود گواه روشنی مبنی بر ناپایداری تمدن در اثر نبودن آزادی و فقر اندیشه فلسفی است. **ویل دورانت**^۱، در جلد اول تاریخ تمدن، مشرق زمین را گاهواره تمدن دانسته که ایران نیز سهم عمده‌ای در آن داشته است. نگاهی گذرا به این تاریخ نشان می‌دهد که در ایران باستان، نوعی مدنیت، برقرار بوده و این ساختار نسبتاً مدنی از عصر اسطوره‌ای ادامه یافته است تا می‌رسیم به **دوره طلایی هخامنشیان**. فرمان کوروش مبنی بر آزادی بردگان و آزادی‌های مذهبی و شغلی، جلوه‌های درخشانی از مدنیت بسیار پیشرفته‌ای را نشان می‌دهد. آثار به‌جامانده در تخت جمشید نیز حکایت از نوعی امپراتوری دارد که ترکیبی از مدارا و اتحاد ملل را نشان می‌دهد. در دوره اشکانیان نیز نشانه‌هایی از آن مشهود بود ولی این مدنیت در عصر ساسانیان به دلیل دخالت موبدان زرتشتی، ضعیف شد. و زمینه را برای سقوط امپراتوری ساسانی به دست اعراب مسلمان فراهم آورد.

ظهور دین اسلام پیامی انقلابی و ساختارشکن نسبت به ادیان زرتشتی، یهودی و مسیحی در عربستان یعنی در جنوب غربی امپراتوری ساسانی و ورود این دین به سراسر ایران با آرمان‌گرایی قرآن و شمشیر خلیفه دوم (عمر ابن خطاب) در **سده هفتم میلادی**، یک **دوره دویست ساله سرگردانی و سکوت** را به همراه داشت. و در همانطور که در بیان نظریه‌های چهارگانه گفته شد: آرمان‌گرایی عرصه جغرافیایی یک تمدن را تعیین می‌کند ولی همین آرمان‌گرایی در ذات خود ضد عقلانیت و آزادی است، اما پس از استقرار اسلام در سده هفتم تا سیزدهم میلادی یعنی **قرن سوم تا هفتم هجری شمسی**، به دلیل احیای تولیدات علمی و فکری ایران قبل از اسلام از یک طرف و وجود آزادی‌های نسبی و رواج مکتب عقل‌گرایی معتزله در بنیاد اسلام از طرف دیگر، با اوج زاینده‌گی اندیشه ایرانی مواجه هستیم که آن را **عصر طلایی اندیش**، در بیان نامیده‌ام و اسامی بیش از یکصد نفر از مفاخر آن عصر را در کتاب حاضر اعلام و گلچینی از بهایات فکری ده نفر از ایشان را ارائه کرده‌ام. بعضی از صاحب‌نظران آن دوره را «عصر زرین فرهنگ ایران» می‌دانند و بعضی دیگر به دلیل سلطه دین اسلام و فراگیری انواع مذاهب اسلامی، دوره مورد اشاره را «عصر تمدن اسلامی» نامیده‌اند. درحالی‌که در این دوره علم و هنر در اوج شکوفایی بوده ولی بعد سوم تمدن یعنی فلسفه جلوه چندانی نداشته چراکه در بین یکصد نفر از مفاخر این عصر فقط **محمدابن زکریای رازی** به معنی دقیق کلمه عنوان فیلسوف داشته و در نتیجه عصر طلایی اندیشه مناسب‌تر از

عصر طلایی تمدن است. مضافاً به اینکه اکثر تولیدکنندگان اندیشه‌های علمی و هنری این دوره ایرانی بوده و در کتاب مقدمه ابن خلدون مورخ نامدار تونس، به این واقعیت تصریح شده است؛ بنابراین نام درستی دوره مورد بحث: "عصر طلایی اندیشه در ایران" است. بحث بر سر نامگذاری این دوره اهمیت چندانی ندارد، آنچه از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد این است که ذره‌ای و بارقه‌ای از آزادی توانسته است این قطعه از تاریخ ایران را سرشار از تولیدات علمی و هنری نماید. البته این قطعه پانصدساله از تاریخ علمی و هنری ایران نباید موجب خودبرتربینی نژادپرستانه شود و یا برای بعضی توهم احیای آن عصر طلایی را ایجاد نماید. زیرا، هرچند که محصولات هنری آن عصر دارای عری جاودان هستند ولی علم، ماهیتاً همواره در حال ابطال‌پذیری و تکامل است و در نتیجه محصولات علمی عصر طلایی اندیشه، در مقایسه با محصولات علمی بشر بعد از نوزایی^۱ و رنسانس^۲، البته قابل احترام و افتخار است ولی وزن و اعتبار چندانی ندارد.

در سده هفتم هجری، راجو و حشیانه مغول به ایران، چراغ اندیشه‌های علمی و هنری رو به خاموشی نهاد تا آغاز سده دهم هجری. صفویه در سده دهم هجری، با به کارگیری و تکیه بر "آرمان‌گرایی تشیع" توانستند امپراتوری این را بعد از گذشت هزار سال پس از سقوط ساسانیان به دست اعراب مسلمان، از نظر جغرافیایی احیا کنند. نخستین دولت ایرانی مستقل و مقتدر با وجود آوردن ولی پس از استقرار به جای به کارگیری عملانیت و آزادی برای ساختن تمدنی پایدار، به دامن چنان جمود فکری و تعصب مذهبی عمیقی افتاد که آثار مخرب آن در عقل‌ستیزی و اشاعه خرافات و مهملات، به مدت چهارصد سال تا انقلاب مشروطیت ادامه داشت.

نگاهی گذرا به دوره‌های مختلف تاریخ مدون کشور عزیزمان ایران، در عصر خامنشیان گرفته تا ساسانیان و دوره اسلامی و حاکمیت‌های پراکنده و دوره متمرکز صفویان، تا سده روطیت، همگی حکایت از این واقعیت دارد که سطح پهنآوری که به وسیله علم و هنر ایرانیان از آغاز تا امروز ایجاد شده، بزرگ و با شکوه است ولی از ارتفاع فلسفی لازم برخوردار نیست و تمدن پایداری را به وجود نیاورده است. علم و هنر ایرانیان اگر تمام قاره آسیا را فرا گرفته باشد، تا از یک اندیشه فلسفی خردگرایانه و منسجم برخوردار نشود، آن همه سرمایه‌های علمی و هنری صرف ساختن تمدنی نخواهد شد و تا آزادی نباشد، توسعه پایداری صورت نخواهد گرفت.